

مراقبت از سالمندان از منظر آیات و روایات

سعیدرضا متوسل^۱، رضا بنی اسدی^۲

^۱ کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی

^۲ استادیار گروه معارف، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

در اسلام سالمندان احترام ویژه‌ای دارند. از این رو به برآورده شده نیازهای ایشان توجه خاصی شده است. یکی از مهم‌ترین این نیازها رسیدگی و مراقبت شایسته از ایشان است. این مساله اگر چه برای همه افراد جامعه نسبت به سالمندان صادق است اما درباره فرزندان نسبت به والدین سالمند از تاکید بسیار بیشتری برخوردار است با این حال در سال‌های اخیر مراقبت از والدین سالمند در محلی غیر از خانواده که از آن به خانه سالمندان یاد می‌شود شیوع قابل توجهی یافته است. این پژوهش که به روش تحلیلی توصیفی است در صدد بیان جایگاه ویژه سالمندان به ویژه والدین در اسلام و مراقبت شایسته از ایشان است.

واژه‌های کلیدی: مراقبت سالمند، والدین، فرزندان، خانه سالمندان

۱. مقدمه

عصر حاضر شاهد تغییرات فراوان در عرصه های مختلف زندگی است. این تغییرات در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سایر عرصه ها به صورت آشکار و با سرعت بسیار در حال شکل گیری است. یکی از این عرصه ها تغییرات بسیار در ساختار خانواده به عنوان مهم ترین و اصلی ترین رکن اجتماعات بشری است. خانواده کارکردهای فراوانی دارد که یکی از مهم ترین آن ها مراقبت از اعضای خود می باشد. سال مندان در هر خانواده مانند کودکان نیاز به مراقبت های ویژه دارند. در فرهنگ غنی اسلام به این امر توجه ویژه شده است. از این رو خانواده های متدین با تاثیرپذیری از آن نسبت به سال مندان احترام خاصی قائل بوده و از آن ها تا پایان عمر به نحو احسن مراقبت می کنند. در فرهنگ جوامع غربی میزان اهمیت و احترام به سال مندان در مقایسه با فرهنگ غنی اسلام فاصله ای معنادار است و اگر گفته شود قابل قیاس نیست سخن گزافی گفته نشده است. وجود خانه های متعدد سال مندان در غرب، از جایگاه بسیار لرزان و تنزل یافته سال مندان در آن جوامع حکایت می کند. با ارتباطات گسترده در عصر حاضر و مواجهات فرهنگ های مختلف با یکدیگر، این امر در جوامع اسلامی تحت تاثیر جوامع غربی قرار گرفته است و تعداد خانه سال مندان گسترش یافته است. این در حالی است که طبق سفارش های مؤکد در فرهنگ اسلامی فرزندان موظف به رسیدگی همه جانبه نسبت به ایشان هستند. اهمیت و ضرورت تبیین این مساله از آن جهت است که این امر پیامدهای فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی دارد. اگر چه درباره سال مندان پژوهش های فراوانی در جهات مختلف شده است اما در این زمینه پژوهش قابل توجهی مشاهده نشده است. هدف این پژوهش تبیین و بررسی موضوع سال مندان و کیفیت رفتار اعضای خانواده با سال مندان از نگاه اسلام می باشد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی است.

۲. مفهوم سال مندی

سال مندی از مراحل پایانی عمر انسان محسوب می شود که در آن قوای جسمی و روانی انسان رو به ضعف و کاهش می گذارد. برای مفهوم سال مندی سن دقیق و خاصی تعیین نشده اما در یک تقسیم بندی شاید بتوان دوران میان سالی تا کهن سالی را این گونه بیان کرد که دوره میان سالی از ۵۰ تا ۷۵ سالگی، دوره سالمندی از ۷۵ تا ۸۰ سالگی، دوره سال خردگی از ۸۰ تا ۸۵ سالگی و دوره کهن سالی از ۸۵ سالگی تا پایان عمر اطلاق می شود. از اواخر دوره میان سالی جسم فرد مانند دوران بلوغ دچار تغییرات زیادی می شود. چروکی پوست، کم و نازک و سفید شدن موی سر و بدن، پایین آمدن وزن، خمیده شدن و کوتاهی قد از تغییرات بدیهی این دوران است. ذخیره بدن در این برهه کاهش پیدا می کند و به دنبال آن مقاومت بدن کم می شود. هوش آنها با افزایش سن کاهش می یابد حتی اگر در طول عمر خود از سطح هوشی بالایی برخوردار بوده باشند، باز هم ممکن است در اواخر عمر از نظر هوشی افت داشته باشند.

۳. سال مندی در قرآن

در این قسمت به برخی از آیات قرآن که پیرامون دوران مهم سالمندی با تعبیر مختلفی یاد شده اشاره می شود.

۳-۱. شیخ

کلمه «شیخ» معانی متعددی دارد؛ از جمله شخصی که دارای علم و سن زیاد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۶۹) یا کسی که سن بالا دارد و به وقار و بزرگی شناخته می شود. (التحقیق، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۱۶۳) به نظر برخی واژه شیخ درباره افراد ۴۵، ۵۰ یا ۵۱ ساله به بالا یا فاصله سنی ۵۰ تا ۸۰ سالگی به کار می رود (مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۵۶۹) این واژه در قرآن به صورت مفرد سه بار به کار رفته است. (ر.ک: هود: ۷۲؛ یوسف: ۷۸؛ قصص: ۲۳) هم چنین یک بار به صورت جمع استفاده شده است. (ر.ک: غافر: ۶۷)

۳-۲. شیب

«شیب» به معنای سفید شدن موی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۶۹) و به کسی که مویش سفید شده «أَشْيَبَ» می-گویند. (تاج العروس، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۳۲)

برخی شیب را به معنای تغییر مزاج و افول انسان از طراوت و قدرت به ضعف و شکستگی دانسته‌اند. (التحقیق، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۱۶۲)

این واژه سه بار در قرآن استفاده شده است. (ر.ک: مریم: ۴؛ روم: ۵۴؛ مزمل: ۱۷)

۳-۳. عجوز

«عجوز» از ریشه عَجَز به معنای ناتوانی است و بیشتر بر زنان پیر اطلاق می‌شود (المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱۴۱۴: ص ۳۹۳-۳۹۴) و از آن رو بر پیر اطلاق می‌شود که وی نیرو و توان خود را از دست داده و ناتوان می‌شود. این واژه دو بار در قرآن استفاده شده است. (ر.ک: هود: ۷۲؛ شعراء: ۱۷۱؛ صافات: ۱۳۵؛ ذاریات: ۲۹)

۴. نگاه قرآن به دوران سالمندی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» (سوره روم: ۵۴) یعنی خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری بر گردانید، که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد می‌آفریند، و او دانا و تواناست.

از آنجا که قرآن کتاب هدایت می‌باشد در قالب موضوعات مختلف به مساله هدایت می‌پردازد. بیان دوران سالمندی و ویژگیهای این ایام با رویکرد به علم و قدرت خداوند سبب توجه دادن بشر به نقش خداوند در تحقق این پدیده‌ها و نیز و رهنمون کردن انسان به مسائل ماورای این عالم و در نهایت هدایت بشر است، بر این اساس در آیه فوق، خداوند را آفریننده انسان دانسته که او را از دوران ضعف و ناتوانی به دوران جوانی و قدرت رسانده، سپس او را به دوران ناتوانی که همان سن پیری است باز می‌گرداند: (الصافی، ۱۴۱۵: ج ۴ ص ۱۳۷)

این آیه به زیبایی تمام آغاز و پایان انسان را بیان کرده که آن ضعف انسان می‌باشد. حال در چند روزی که توان و قدرت داریم وظیفه قدردانی از نعمتهای الهی را داریم. (یک قوت میان دو ضعف) «ضَعْفٌ- قُوَّةٌ- ضَعْفًا» ضعف دوران کودکی که با حضور پدر و مادر و حمایت‌های شبانه روزی مادر به قوت تغییر می‌کند، ولی ضعف دومی که بوجود می‌آید ضعف بعد از قدرت و توان می‌باشد که این ضعف برای انسان ماندگار است، زیرا کلمه «شَيْبَةٌ» در کنار «ضَعْفٌ»، نشان آن است که این ضعف همراه پیری و ثابت است و در اینجا حمایت و همراهی شبانه روزی برای این ضعف ماندگار از طرف فرزندان و خانواده این فرد سال-خورده لازم و ضروری می‌باشد.

ایه ۷۰ سوره نحل نیز با بیان دوران زندگی انسان را به علم و قدرت الهی معطوف می‌دارد «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ» (نحل: ۷۰) یعنی و خداوند شما را آفرید سپس (جان) شما را می‌گیرد و بعضی از شما به پست‌ترین دوران عمر (پیری) بازگردانده می‌شود، تا آنجا که بعد از دانستن (بسیاری از مطالب، بخاطر پیری همه را فراموش می‌کند و دیگر) چیزی نمی‌داند. البته خداوند آگاه و توانمند است.

در آیه‌ای دیگر نیز شبیه به آیه سوره نحل را داریم که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبَلَّغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا...» (حج: ۵) یعنی بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی

از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند!

درباره این دو آیه نکات زیر قابل توجه می‌باشند:

۱- زمان پیری را به مناسبت این که زبون‌ترین هنگام عمر است و انسان از تفکر، تعقل، و عبادت عاجز می‌ماند اُرْدَلِ الْعُمُرِ گویند (فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۹: ص ۹۴)

۲- اَرْدَل از ماده رِذَل به معنی چیز پست و نامطلوب است و منظور از اُرْدَلِ الْعُمُرِ نامطلوب ترین دوران های عمر انسان می‌باشد که به نهایت پیری می‌رسد و به گفته قرآن علوم و دانش های خود را به کلی فراموش می‌کند و درست همانند یک کودک می‌شود. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۶)

۳- قرآن کریم در این دو آیه پست‌ترین مرحله عمر را فراموش کردن دانسته‌ها و اندوخته‌های علمی انسان می‌داند که این مساله معمولاً با پیری و کهنسالی همراه می‌باشد ولی گاهی اتفاق می‌افتد که انسانها در دوران میان سالی نیز به اُرْدَلِ الْعُمُرِ مبتلا می‌شوند.

۴- رفتار فرد کهن‌سال شبیه به کودک می‌باشد چراکه یک فرد کهن‌سال دانش های خود را به کلی فراموش می‌کند و از نظر معلومات و اطلاعات و تدبیر امور زندگی مانند کودک است. خیلی سریع از چیز جزئی همانند یک کودک ناراحت می‌شود و با امر مختصری خوشحال و راضی می‌گردد. ظرفیت و حوصله خود را از دست داده و گاه حرکات و رفتار او کودکانه می‌شود. با این تفاوت که اطرافیان از رفتارهای کودک انتظاری ندارند ولی از فرد کهن‌سال به علت جایگاه اجتماعی وی توقع چنین رفتارهایی را ندارند، و از طرفی با توجه به سیر رشد و تکامل در کودکان این امیدواری هست که همه این حالات برطرف گردد اما در مورد کهن‌سال چنین امیدی وجود ندارد. باید بدانیم یک کودک چیزی نداشته که از دست بدهد، اما این پیر کهن‌سال همه سرمایه های حیاتی خود را از دست داده در حالی که در نگاه اطرافیان از جایگاه اجتماعی برخوردار می‌باشد و سبب می‌شود که فرزندان و افرادی که با فرد سال‌خورده ارتباط دارند به روحیات سن و سال فرد فرتوت دقت نکرده و متأسفانه با وی دچار رفتار و گفتار ناپسند شوند. از این جهت، حال پیران سال‌خورده در مقایسه با حال کودکان، بسیار رقت بارتر و ناگوارتر است. (همان)

قرآن کریم پس از ذکر مراحل عمر انسان از جمله دوران پیری، غرض از آن را تعقل انسان برشمرده است. خداوند در این باره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (غافر: ۶۷) یعنی اوست خدایی که شما را از خاک (ناچیز) بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و آن گاه از خون بسته علقه، پس شما را (از رحم مادر) طفلی بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و باز پیری سال‌خورده شوید و برخی از شما پیش از سن پیری وفات کنند و تا همه به اجلی معین برسید و (این چنین کردیم تا) مگر (قدرت خدا را) تعقل کنید.

خداوند متعال در جای دیگر بالا رفتن سن و پیری را مرحله کاهش نیرو و جسم دانسته و کسانی را که در این پدیده تعقل نمی‌کنند مذمت کرده است و چنین می‌فرماید: «وَمَنْ نَعْمَرَهُ نُنْكِسُهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (یس: ۶۸) یعنی هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی‌کنند؟! «نُنْكِسُهُ» از «تنکس» به معنای واژگون کردن و مراد از آن بازگشت انسان به حالت کودکی است. علمش به جهل و فراموشی تبدیل می‌شود، قدرتش رو به ضعف می‌رود و سعه‌ی صدرش به زود رنجی می‌رسد، حساسیتش زیاد و اشکش روان می‌شود. (تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۸، ص ۹)

مقتضای طبیعت در موجودات مادی مثل انسان و حیوان و نبات و غیر اینها اینست که در ابتداء امر رو به رشد می‌گذارد تا حد معینی از عمر پس از آن رو بنکس می‌گذارد تا موقع موت اما انسان حد رشدش غالباً تا چهل سالگی است پس از آن حد وقوفش تا شصت ساله پس از آن رو بنکس می‌گذارد عقلش کم می‌شود فراموشی پیدا می‌کند قوه سامعه و باصره و شامه و ذائقه

نقصان پیدا می کند بدنش ضعیف می شود کمرش خمیده می شود قوایش کاسته می شود تا اجلش برسد. (تفسیر اطیب البیان، ۱۳۶۹: ج ۱۱، صفحه ۱۰۲)

در بخش پایانی این دو آیه مخاطب به تعقل و فکر کردن فرا خوانده شده که افلا تعقلون شاید اشاره به این سنت خداوند باشد که پیری معمولاً همراه با شکستگی و ضعف قوای جسمی می باشد. «نَعْمَرَهُ نُنْكِسُهُ» که انسان باید هم به فکر از دست رفتن نعمتهای خویش و هم به فکر ضعیف شدن قوای جسمانی خویش باشد.

۵. جایگاه والدین از منظر قرآن

یکی از مهم ترین آیاتی که در قرآن پیرامون جایگاه والای والدین وجود دارد این آیه است که: «وَقَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسرا: ۲۳) یعنی و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو!

کلمه قضی به معنی فیصله دادن و محکم کردن است. به معنی حکم و بیان و مانند آن نیز گفته شده است. کِبَر: (بر وزن عَنَب) به معنای پیری است. اف: کلمه ای است که با آن اظهار تنفر و انزجار می شود. وقتی انسان چیزی را مکروه و ناپسند می داند در مقام اظهار کراهت می گوید. و تنهرهما: نهر (بر وزن عقل) است که جناب راغب، شدت را در آن قید کرده است. وقتی گفته می شود لَا تَنْهَرُهُمَا: یعنی با آنها تندی مکن و با فریاد مران (قرشی، ۱۳۷۵: ج ۶، ص ۵۶-۵۷)

در این آیه با تاکید به موضوع توحید و یکتا پرستی، که در رأس همه سفارش های الهی است بلا فاصله به خدمتگزاری و احسان به پدر و مادر، تاکید می کند و این خود نشانه ای بر عظمت و جایگاه پدر و مادر می باشد چرا که با بیان این آیه، توحید و خدمتگزاری و احسان به پدر و مادر، از اوصاف موحد واقعی است. «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» و با چنین فرمانی از جانب خداوند که با کلمه قضی آمده است فرمان نیکی به والدین مانند فرمان توحید، قطعی و نسخ نشدنی و هم واجب عقلی و وظیفه انسانی است، هم واجب شرعی است و با عبارت بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا می توان این استفاده را از آیه داشته باشیم که دین مبین اسلام احسان به والدین، مشروط به مسلمان بودن آنها نکرده است.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه در تفسیر المیزان می فرماید: خداوند در قرآن فرموده، هرگز گناه شرک را نمی آمرزد، چون بزرگ ترین گناهان است و به همین جهت خداوند شرک را بر سایر گناهان مقدم نموده است و سپس به مسأله نیکی به پدر و مادر اشاره می نماید و باید دانست (عاق والدین) بزرگ ترین گناهان کبیره بعد از شرک است. همان طور که احسان به آنها بعد از مسأله توحید واجب ترین واجبات است و علت کنار هم آوردن این دو مسأله (توحید و نیکی به پدر و مادر) اهمیت رابطه خانوادگی و ارتباط میان والدین و فرزندان است که اساس جامعه انسانی مبتنی بر آن می باشد، اگر این رابطه مختل شود عاطفه انسانی ضایع شده و شیرازه اجتماع از هم گسسته می شود، لذا روش اسلام همواره بر حفظ و تحکیم این رابطه جریان دارد، چون خانواده هسته تشکیل یک جامعه صالح است که می توانند تشکیل یک امت واحده را بدهند، به همین دلیل هم، غیر مسلمانان در صدد از بین بردن این رابطه و نابود کردن اساس خانواده در جوامع هستند تا مردم به جای قرار داشتن و اجتماع بر یک اصل واحد، متفرق و پراکنده شوند و وحدت میان آنها تحقق نیابد، چون وحدت مسلمانان به ضرر آنها است. و اینکه حکم اختصاصی در مورد دوران پیری و کهولت پدر و مادر را بیان نموده به جهت آن است که پدر و مادر در آن دوران سخت ترین وضعیت را داشته و بیشترین احتیاج را نسبت به کمک فرزند خود دارند و این آیه تذکری برای اولاد است که متوجه پدر و مادر خود باشند و بدانند که امروز که در اوج توانایی جسمی و روحی هستند، بزودی زمانی خواهد رسید که آنها هم به حالت ضعف پیری و ارذل العمر و دورانی که انسان در خلقت خود به قهقراء برمی گردد خواهند رسید و باید والدین را نصب العین خود قرار دهند و نسبت به آنها مهربان و رثوف باشند و ابدا کمترین کلمه ای که دلالت بر انزجار و بیزاری بنماید (مثل اه یا اف) نسبت به آنها بیان نکنند و هرگز با بلند کردن صدا و درشت گویی و داد و فریاد با آنها سخن نگویند بلکه در گفتگو و معاشرت رعایت احترام و بزرگداشت آنها را بنمایند. (ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۱۰۹-۱۱۰) بنابر این رسیدگی به امور

پدر و مادر به ویژه در سنین کهن سالی از اهم واجبات الهی است. یکی از مهم ترین این امور اصل مسأله مراقبت و نگهداری پدر و مادر در این سنین است. متاسفانه در سالهای اخیر موضوع خانه سال مندان گسترش فراوانی یافته که خود نشان از دور شدن از تعالیم عالی مکتب اسلام و آموزه های اهل بیت است.

۶. علل گسترش خانه سال مندان در ایران

عبارت «خانه سال مندان» در سالیان اخیر به صورت گسترده وارد فرهنگ ما شده است در حالی که در گذشته های نه چندان دور و در اندیشه های ارزشی و اجتماعی مردم ایران، چیزی به عنوان خانه سال مندان دست کم به این گستردگی وجود نداشته است.

امروزه با تغییر سبک زندگی و با توجه به شرایطی که برای برخی خانواده های ایرانی روی داده است متاسفانه نگاه مثبتی به خانه سال مندان در اقشار مختلف بوجود آمده است که بدون تردید حاکی از دور شدن از آموزه های ناب اسلامی است. برخی از دلایل این رویکرد را می توان چنین بیان کرد:

۱- کاهش نرخ باروری که سبب بوجود آمدن خانواده های کم جمعیت شده است و این کوچک شدن خانواده سبب شده تا افراد خانواده وقت و فرصت همراهی با سال مندان را کمتر داشته باشند.

۲- گسترش زندگی آپارتمان نشینی و تغییر فضای ساختمانی از خانه های ویلایی بزرگ به واحدهای کوچک طبقاتی زمینه را برای حضور افراد سال مند کم رنگ کرده است.

۳- قانع نبودن به وضع اقتصادی و یا کاهش درآمد سبب شده افراد یک خانواده به کارهای مختلف و متعدد روی آورند و در نتیجه با کاهش حضور فرزندان در منزل، شاهد تنها ماندن افراد سال مند در منزل باشیم.

۴- افزایش اشتغال زنان و به تبع آن کاهش حضور آن ها در منزل و در کنار سال مندان سبب شده فضای مناسبی برای سال مندان در خانه فراهم نگردد.

۵- افزایش اوقات فراغت، از دست دادن توانایی ها، از دست دادن همسر، از دست دادن استقلال، بروز برخی معلولیت ها و عزلت روزافزون با کهولت سن همراه هستند لذا گاهی دیده می شود خود سال مندان راهی آسایشگاه می شوند و یا اگر بتوانند حرکت کنند روزها را به خارج از خانه رفته در پارکها و با هم سن و سالان خود به گذران بقیه عمر می پردازند در صورتی که اگر فرزندان با فرهنگ اصیل دینی مانوس باشند والدین همچون در گرانبها نگهداری کرده و انگیزه رفتن به آسایشگاه سال مندان را از آن ها از بین می برند.

۶- افزایش بیماری ها و معلولیت ها در کهنسالی، نیاز آنها به پرستار ویژه و مشکل بودن ارائه چنین خدماتی در خانواده نیز از دیگر اسباب شیوع گسترده خانه سال مندان شده است.

با این همه در خانواده های مذهبی به ندرت دیده می شوند فرزندان به رفتن والدین به خانه سال مندان راضی شوند و با هر زحمتی شده سعی می کنند مراقبت از ایشان را خود به عهده بگیرند بنابر این می توان گفت مهم ترین علت شیوع گسترده خانه سال مندان کم رنگ شدن ارزش های دینی در جامعه است.

نتیجه گیری

با تاکید های بسیار شدید متون دینی در اسلام نسبت به سال مندان به ویژه والدین سال مند موضوع احترام، رسیدگی و مراقبت از ایشان به خوبی روشن می شود. به طور طبیعی افرادی که با آموزه های اسلامی بزرگ شده اند به این سفارش های اکید در زندگی عمل می کنند و از والدین سال مند خود تا پایان زندگی به بهترین وجه ممکن مراقبت می کنند. با این حال شیوع گسترده خانه سال مندان در سال های اخیر لزوم بررسی علل آن را دو چندان می کند. هر چند علل مهم و مختلفی در این

مساله دخالت دارند که به آن ها اشاره هم شد و باید برای رفع آن ها برنامه هایی طراحی و اجرا کرد اما با توجه به این که این علل برای خانواده های مذهبی نیز وجود داشته اما با این حال اکثریت آن ها حاضر به سپردن والدین سال مند خویش به خانه سال مندان نیستند می توان نتیجه گرفت مهم ترین علت شیوع خانه سال مندان در جامعه امروز دور شدن برخی از طبقات مردم از فرهنگ اصیل اسلامی است و با معرفت افزایی و تشویق عمومی مردم به بازگشت به دستورات عالی فرهنگ اسلامی می توان این نقیصه را از جامعه برطرف کرد و دوباره نشاط و امید را به خانواده ها و به ویژه سال مندان برگرداند.

منابع

* قرآن کریم

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، محقق / مصحح: صفوان عدنان داودی، لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیة.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران: مرتضوی.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناشر اسلام.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات راه رشد.
- فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ق: موسسه دار الهجرة.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، مقدمه و تصحیح: علی املشی، تهران: مکتبه الصدر.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

Caring for the elderly from the perspective of verses and traditions

Abstract

In Islam, the elderly have special respect. Therefore, special attention has been paid to meeting their needs. One of the most important of these needs is to take proper care of them. Although this issue is true for all the people of Chameh towards the elderly, it is much more emphasized about the children than the elderly parents. However, in recent years, caring for the elderly parents in a place other than the family It is said that there has been a significant spread in nursing homes. This research, which is a descriptive analytical method, aims to express the special position of the elderly, especially parents, in Islam and proper care for them.

Keywords: elderly care, parents, children, nursing home